

کودک آزاری

برای کودکانی که از کودک آزاری رنج می‌برند، دامنه‌ای از رفتار ناسازگار، غیر اجتماعی و مخرب توسعه پیدا می‌کند. افکار این گونه کودکان غالباً با تلاش بر غالب آمدن بر آزار بر می‌شود. این تلاش معمولاً در قالب درک موقعیت و دلایل ایجاد آزار می‌باشد.

برای مثال انسانی را تصور کنید که در حال قدم زدن در خیابانی شب هنگام مورد دزدی و ضرب و شتم قرار می‌گیرد. برای پذیرفتن واقعه، آن شخص با خود فکر می‌کند؛ "شاید من میبایست قوی تر قدم برمی‌داشتم"؛ یا "من نباید آن خیابان را برای مسیر حرکت انتخاب می‌کردم"؛ یا "من نباید در آن خیابان تنها قدم می‌زدم"؛ "من نباید به چشمان غریبه‌ها زل می‌زدم"؛ "من نباید به مقابله ادامه می‌دادم"؛ یا "من میبایست از خودم دفاع می‌کردم و با آنها می‌جنگیدم" و یا خیلی راه‌های دیگر.....

نکته قابل توجه این است که این شخص احساس میکند که اگر عکس العمل متفاوتی از خود نشان میداد، می‌توانست قدرت مقابله با حمله یا کنترل کردن موقعیت را داشته باشد. آن شخص می‌توانست با این افکار این احساس را در خود بوجود بیاورد که دنیای خشن و بیرحم میتوانست به دنیای بسیار صلح آمیز تبدیل شود اگر او رفتار کاملاً متفاوتی نسبت به کل قضیه نشان می‌داد.

برای وقایع مشابه (آزار) تجربه کودکان بسیار مشابه به بزرگسالان میباشد، با این تفاوت که کودکان تجربه کافی برای درک واقعه آزار دهنده ندارند؛ بخصوص که غالباً خشونت در درون خانواده و توسط افراد فامیل برای این کودکان رخ میدهد. این شرایط برای این اطفال به هیچ وجه قابل درک نیست بخصوص که این آزارها بطور متوالی رخ میدهد. اگر فرد مورد اشاره در بالا هر هفته مورد ضرب و شتم قرار بگیرد، به جای تغییر رفتار خود بعد از مدت زمان کوتاهی آن فرد شروع به داستان سرایی برای دلایل حملات و آزار میکند و حتی ممکن است اقدام به ترک خانه کند. اگر آن شخص امکان صحبت با شخص آزار دهنده را بعد از هر حمله داشته باشد و هر بار با دلایل بی منطق مواجه شود، آن شخص به سمت روانپزشکی سوق داده میشود. داستان روباه و خرگوش همین مضمون را در بر دارد که خرگوش هر بار از روباه میپرسد "چرا به من حمله کردی" و روباه همواره دلایل مضحک خود را تکرار می‌کند مثل داستان کودک قربانی می‌ماند که همواره در ارتباط با شخص آزار دهنده میباشد و دلیل آزارها را متوجه نمیشود. تلاش برای یافتن دلیل آزار یا یافتن راهی برای جلوگیری از آزار برای کودکان تحت آزار بسطه پر فشار می‌باشد و حتی می‌تواند منجر به آسیب‌های جدی شود.

علاوه بر پریشانی افکار که برای کودکان تحت آزار بوجود می‌آید، آنها همچنان باید آزار را در قالب یک راز خانوادگی پوشیده نگهدارند. این مسئله باعث می‌شود که کودک قادر به برقراری ارتباط نزدیک و دوستانه کهنر زندگی و آینده او تاثیر می‌گذارد نباشد. انسان برقراری روابط سالم اجتماعی را از محیط زندگی اش یاد می‌گیرد و کودک آزر دیده از یادگیری بسیاری از مهارتهای برقراری روابط اجتماعی محروم می‌شود. برای کودک آزار دیده مفهوم برقراری ارتباط و روابط اجتماعی کاملاً وارونه تفهیم شده است و این منجر به روابط پر مشکل در زندگی شخصی و حرفه‌ای او در آینده میشود. یکی دیگر از ابعاد کودک آزاری جلوگیری و ممانعت کودک از داشتن زندگی نرمال است. اگر کودکی به خاطر ترس از صدمه دیدن توسط والدین یا بخاطر داشتن والدین بسیار مسلط بر او، هرگز امکان انجام دادن کارهای جدید را نداشته باشد، این گونه کودکان حس کنجکاو نسبت به چیزهای جدید را در زندگی از دست می‌دهند و دست از انجام کارهای جدید برمی‌دارند. این کودک هرگز امکان دستیابی به پتانسیل‌ها و قدرت خلاقیت خود را نخواهد داشت.

بعد دیگری که قابل چشم‌پوشی نیست، اضطرابهای فیزیکی است که کودک مجبور به تحمل است. تکرار آزارهای فیزیکی و صدمه نامیده می‌شود. اساساً این "Autonomic and Hyperarousal" های روحی برای کودک بی‌پناه منجر به بوجود آمدن اختلالاتی که به این معنی است که کودک پریشان و مضطرب میشود. اگر این آزارها برای شخصی تکرار شوند منجر به تغییرات روحی و روانی میشوند. این تغییرات روحی و روانی میتواند به شکل عکس‌العملهای شدید و تند به برخی مسائل هیجان‌انگیز تبدیل شود. به خصوص مسائلی که به شکلی یادآور صدمات و آزارهای قبلی میشود آن شخص را به شدت وحشت زده میکند؛ عموماً این اشخاص از نظر احساسی واکنش‌های نرمال نشان نمی‌دهند؛ به مسائل با ریسک بالا علاقه نشان نمیدهند؛ علاقه‌ای به هیجان‌ات یا امتحان کردن مسائل پر خطر بخصوص اگر شامل صدمات جسمی شود ندارند. این اشخاص عموماً قدرت تمرکز قوی ندارند. بعضی از آنها مشکلات قلبی و جریان خون دارند و برخی سیستم ایمنی بدن بسیار ضعیفی دارند که معمولاً افراد را در معرض سرما خوردگی و آنفولانزا و حتی امراض با خطر بیشتری قرار می‌دهد.

ما میتوانیم فهرست بسیار طولانی تری برای نتایج کودک آزاری نشان دهیم. این نتایج در یک دامنه بسیار ضعیف تا بسیار قوی و قابل مشاهده به صورت خیلی بدتر با پریشانی روحی کامل و حتی ناتوانی عملکردی مشاهده میشود. نکته قابل توجه این است که این موضوع همواره خطر بوجود آمدن بیماری های روحی و روانی را افزایش می دهد.

مقدمه: کودک آزاری مثل یک ویروس میماند که به ارگانیزم بدن حمله می کند و سیستم آن را تغییر میدهد و آن حمله را دوباره و دوباره تکرار می کند. آلودگی بوجود آمده از طریق ویروس مانند یک حلقه دورانی می تواند تمام نسل های بعد از خود را تحت تاثیر قرار دهد. کودکانی که مورد آزار بوده اند، اگر به دوران بزرگسالی خود برسند (جان سالم به در ببرند) اکثرا خود کودک آزار می شوند و به همین ترتیب احتمالا آنکه کودکان آنان نیز به این شیوه ادامه دهند بسیار زیاد خواهد بود.

کودک آزاری فقط یک مشکل شخصی و یا خانوادگی نیست. تقریبا غیر ممکن است که در طول روز به شخصی برخورد کنیم که تحت کودک آزاری نبوده است مگر این که از برخورد با مردم در طول روز کاملا اجتناب کنیم

هنگامی که کودکان آزار دیده به بزرگسالی میرسند، نه فقط با آزار کودکان خود بلکه میتوانند به شیوه های مختلف دیگر جامعه را تحت تاثیر منفی قرار دهند. کودک آزاری ماورای خانواده کل جامعه را با سنگدلی، منفی بافی، خشونت، جرم و جنایت، مواد مخدر و بیماری های مختلف آلوده می سازد.

عواقب کودک آزاری بر قربانیان آن بسیار مخرب است و به کل زندگی آنان و بر کل جامعه تاثیر میگذارد. اندازه گیری میزان نفوذ کودک آزاری بر جامعه بسیار مشکل می باشد و تلاشهایی که تا کنون انجام شده است نتوانسته بر اصل مشکل که گزارش ندادن است غالب آید. این بسیار مایوس کننده است، بخصوص وقتی ما قادریم تعداد پونزهای تولید شده در سال و یا تعداد میانگین که یک انسان در یک هفته به رابطه جنسی فکر میکند را اندازه گیری کنیم. این بازتابی است از نگرش دولت و ملت و طریقه ای که الویت های ما رده بندی شده است. همچنین این بسیار مایوس کننده است که شیوه های بسیار ساده با ارزش افزوده مالی برای جامعه وجود دارد که هنوز هیچگونه بودجه ای به آنها تخصیص داده نشده است. خوشبختانه بخش خصوصی و گروه های داوطلب، رهبری فرآیند بهبود سازی جامعه را از عواقب کودک آزاری به عهده گرفته اند. سازمانهای زیادی وجود دارد که بر اساس بخشش های مردم پایه گذاری شده است و داوطلبان در آن به صورت رایگان فعالیت می کنند. این سازمانها فعالیتهای خوبی را برای جلوگیری و درمان این مشکل انجام داده اند و قدم های بسیار مثبتی برداشته اند. شما هم می توانید یکی از این داوطلبین باشید.

تعریف قانونی کودک آزاری چیست؟

(42 U.S.C.A 5106g) (CAPTA) قانون فدرال پیشگیری و درمان کودک آزاری تعریف زیر را ارائه میدهد:

کودک: هر انسان زیر هجده سال کودک نامیده میشود. در موارد آزارهای جنسی سن کودک مطابق قانون ایالتی که کودک در آن زندگی می کند مشخص میشود.

تعریف حداقل کودک آزاری و غفلت کردن نسبت به کودک به شرح زیر مشخص میشود.

هرگونه رفتار یا نارسایی از طرف والدین یا هر کسی که سرپرستی کودک را به عهده دارد که منجر به مرگ کودک، صدمات بدنی، آسیب های روحی، آزارهای جنسی و یا استثمار کودک شود، کودک آزاری تلقی میشود.

تعریف آزارهای جنسی عبارت است از:

بکارگیری، استفاده، تشویق و تحریک، انگیزه و وسیله کردن، اغوا، و یا تهدید کودکان به درگیر شدن یا حتی کمک کردن به افراد دیگری که در هر نوع زمینه فعالیت های آشکار جنسی و یا مشابه سازی آن فعالیت میکنند. این فعالیت از قبیل هدایت برای تولید نمایش های قابل تماشا نیز میباشد.

تجاوز جنسی اگر از طرف سرپرستان و یا افراد داخل خانواده باشد، حتی بزرگانی که کودکان را اغفال میکنند و با آنان روابط جنسی برقرار می کنند، هر گونه تماس نا مناسب بدنی، فحشا، و دیگر استثماریها و بهره برداری های جنسی و حتی روابط بین کودکان خانواده، آزارهای جنسی محسوب میشود.

هر ایالت در آمریکا مسئولیت فراهم آوردن تعریف دقیق کودک آزاری و غفلت از کودکان می باشد که میبایست در مفاد شهری و جرائم و جنایات آن ایالت تعریف شود.

این تعاریف چهار نوع اصلی از کودک آزاری را در بر دارد. آزارهای جسمی و بدنی، آزارهای جنسی، آسیب های روحی و غفلت از کودک. به ندرت اتفاق می افتد که فقط یک نوع از این آزارها به تنهایی رخ دهد. ایده کودک آزاری بسیار ایده نامعقول و ناموجهی میباشد. آزارهای جنسی همواره به همراه آزارهای روحی و جسمی اتفاق می افتد. کودکی که تحت آزار جنسی قرار گرفته است، مورد صدمه های بدنی هم قرار میگیرد. فقط آزارهای روحی است که ممکن است به تنهایی رخ دهد و آزارهای جسمی و جنسی به دنبال نداشته باشد.

از دیدگاههای راهبردی، تحقیقاتی و درمانی آزار به چهار نوع متفاوت تقسیم میشود. انواع مختلف آزار تاثیرات متفاوت، خطاکاران مختلف و مداخله های گوناگون دارد. آزار دهندگان جنسی معمولاً مردان هستند. مردان و زنان هر دو می توانند آزارهای روحی و جسمی به دیگران تحمیل کنند. زنان معمولاً تعداد بیشتری از والدینی را در بر میگیرند که از کودک خود غفلت می کنند ولی توجه به این نکته مهم است که زنانی که برای غفلت از کودکانشان محاکمه میشوند معمولاً مادران مجرد هستند ولی مردانی که خانواده خود را ترک کرده اند و از خانواده سلب مسئولیت نموده اند معمولاً برای غفلت از کودکانشان محاکمه نمی شوند. متأسفانه مشاهده می کنیم که مسائل مربوط به کودک آزاری دارای بسیاری نکات غیر قابل توضیح و حتی نامعقول می باشد.

بسیاری از افرادی که در کودکی مورد آزار و سوء استفاده قرار گرفته اند در زندگی حرفه ای و اجتماعی خود بسیار رقابت گرا هستند و همواره در جستجوی جبران کردن تاثیرات مصیبت بار دوران تحت آزار کودکی خود می باشند و این معمولاً تا زمانیکه که اضطرابهای دیگری از جمله بیماری، مرگ نزدیکان یا حتی بچه دار شدن به زندگیشان اضافه میشود.

در ماورای تاثیرات مشهود کودک آزاری مثل صدمه های جسمی و ناخوشی های جسمانی ناشی از اضطراب زیاد، قربانیان آزارهای روحی، فیزیکی، جنسی و کلامی دچار آسیب های روانی میشوند و این آسیب ها میتواند همه عمر آنان را آزار دهد. مثالهایی از این صدمات روحی شامل افسردگی مزمن، اضطراب دائمی، مشکلات رفتاری در زندگی شخصی و اجتماعی (مدرسه و کار) میگردد.

وب سایتیهای اشاره شده در زیر جوابهایی برای سوالات مرتبط با کودک آزاری و منابعی برای کودکان و خانواده ها فراهم می آورد. امیدواریم این نکات راهنمایی برای درک بهتر از مشکل باشد و حتی ترغیب کننده ای برای برقراری ارتباط با سناتور یا نماینده کنگره در محل سکونتتان در جهت حل این مشکل باشد. شما میتوانید به سناتور یا نماینده محل زندگیتان پیشنهادهایی در مورد حل مشکل ارائه دهید که میتواند با استفاده از مالیات های پرداخت شده توسط شما به عمل گذاشته شود. این گونه فعالیت ه ا میتواند شامل فعالیت های داوطلبانه و یا بخشیدن پول در جهت ایجاد سازمانهایی برای جلوگیری یا درمان کودک آزاری باشد.

کودک آزاری؛ شرح اجمالی

علائم کودک آزاری:

برخی علائم نشان دهنده همه انواع کودک آزاری است. برخی رفتار پرخاشگر، اخلاص گر، و حتی گاه غیر قانونی؛ عصبانیت و خشم، احساس غمگین بودن، دیگر احساسات مرتبط با افسردگی، اضطراب و ترس و یا تکرار خاطرات بد و خوابهای ترسناک، نشانه هایی از شکستگی استخوان، و یا صدمات درونی جسمانی، آثار سوختگی، تغییر رفتار در کودک و یا تغییر عملکرد در تکالیف مدرسه، گرسنگی و تشنگی مداوم، آثار جراحت و کبودی، مو و یا بدن کثیف و شسته نشده، خارش دائمی در نواحی پوشک در نوزادان، استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی، شنیدن داستانهایی از تصادفات و اتفاقات که به سادگی قابل باور نیست، کمبود علاقه و توجه به محیط اطراف، کمبود در قدرت سرپرستی و نظارت، بروز ندادن احساسات، نداشتن تصور خوبی از خود، رفتارهای نامعمول در روابط جنسی، واکنش های دفاعی در مقابل کوچکترین کنش ها و یا هیجان زدگی غیر معمول، سرگردان بودن در مدرسه و حتی خانه های دوستان به شکلی که کودک علاقه ای به برگشتن به خانه نداشته باشد.

احتمال بروز کودک آزاری در خانواده هایی ببلعالم زیر زیاد است:

یکی از بزرگترین در خانواده در دوران کودکی مورد کودک آزاری قرار گرفته باشد یا یکی از بزرگترین در خانواده یکی از کودکان را با نگاه متفاوت نسبت به بقیه کودکان نگاه می کند به دلیل اینکه کودک توقعات از پیش تعیین شده را برآورده نکرده است؛

یکی از والدین متوجه میشود که یکی از کودکان به اختلالات جسمی و عقب ماندگی دچار است؛ والدین از یک بیماری مزمن رنج می برند؛ مادر در خانواده مورد آزار و صدمه قرار می گیرد؛ پیروی ضعیف از توصیه های دارویی برای کودک؛ خشونت رفتاری مابین خواهران و برادران؛ نشانه های محافظت بیش از حد از کودک؛ فقر؛ وجود کودکی با رفتار ویژه که تربیت کردن کودک را با مشکل و سختی روبرو می کند؛ سایر رفتارهای خشونت بار در خانه؛ والدین یا سایر افرادی که از کودک مراقبت می کنند از مواد مخدر و الکل استفاده کنند؛ حضور نامادری یا ناپدری در خانه؛ فویدی که مراقبت از کودک را به عهده دارد به خاطر نداشتن حمایت کافی احساس منزوی بودن بکند؛ استرس هایی برای والدین از قبیل از دست دادن شغل یا وضعیت بحرانی مالی یا بیماری یا مرگ یا جدایی و طلاق.

تأثیرات "کودک آزاری"

مواجه شدن با مشکلات برای پیشرفت تحصیلی، بروز رفتار خشونت آمیز، اعتیاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی، احساس اضطراب شدید، ابراز نیاز به مورد توجه قرار گرفتن بیش از حد معمول، خواب های وحشتناک، شب ادراری، اختلالات رفتاری، دردهای مزمن، بروز میل مفرط به غریزه جنسی، نداشتن قدرت تمرکز فکر، بروز رفتار خطرناک مثل رانندگی با سرعت بالا، کمبود آب رسانی جسمی، افسردگی، گوشه گیری، بداشتهایی و بدغذاخوردن، شکست مداوم و اجتناب از تلاش کردن، ترس های اجتماعی و خجالتی بودن، ترس از افراد بخصوص و یا مکان های خاص، جراحات مداوم جسمی، بی خوابیهای شبانه، مشکل در یادگیری، دروغگویی، تغذیه نامناسب و ناکافی، در جبهه مخالف ایده دادن و صحبت کردن، رسیدن حمله های عصبی به دلیل ترس و اضطراب زیاد، سر درد و معده دردهای مداوم، تکرار صدمات جسمانی که به خود وارد می آورند، انجام رفتار جنسی پر خطر، فرار کردن، به خود بی اهمیت بودن، نگرانی بیش از حد از دوری و جدا شدن از کسی، نداشتن تمایلات جنسی، بدخواهی، عدم علاقه به روابط اجتماعی، دزدی، لکنت زبان، استفاده غلط و مفرط از داروها در حدی که به جسم خود صدمه بزند، اقدام به خودکشی، مکیدن انگشت یا هرگونه رفتار که مناسب سن نیست.

قدرت سازگاری و ناسازگاری در کودکان بسیار متفاوت می باشد. همچنین کودکان وجه های شخصیتی کاملاً متفاوت دارند، در نتیجه کودکان واکنش های بسیار متفاوت به آزارهای مشابه نشان میدهند و این دلیل این است که لیست علائم کودک آزاری بسیار کلی به نظر می رسد. هیچ یک از نشانه های بالا از علائم مسلم کودک آزاری نیست. این به این معنی است که تمام نشانه های بالا میتواند اتفاق بیفتد ولی نه به خاطر کودک آزاری و یا برعکس، کودکانی هستند که مورد کودک آزاری قرار می گیرند ولی هیچ یک از علائم بالا را بروز نمی دهند. ولی آزار کودکان به سادگی احتمال بروز هر یک از علائم ذکر شده در فهرست بالا را افزایش می دهد. اصولاً کودکان می بایست نیاز به تلاش برای زندگی را از والدین خود و یا افرادی که از آنها مراقبت می کنند فرا گیرند. والدین آزار رسان امکانات کاملاً متضاد برای کودکان خود فراهم می آورند. آنان در عوض فراهم آوردن محیط سالم رشد و تربیت، محیطی بسیار مخرب برای کودکانشان بوجود می آورند.